



مخالفت طالبان با ترامپ

وزارت خارجه افغانستان به اظهارات اخیر ترامپ درباره بازپس گیری پایگاه هوایی بگرام در افغانستان واکنش نشان داد و گفت کابل هرگز حضور نظامی خارجی را نمی‌پذیرد. «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا در دیدار با «کی‌یر استارمر» نخست‌وزیر انگلیس در لندن مدعی شده بود که ایالات متحده به دنبال به دست گرفتن کنترل مجدد پایگاه هوایی بگرام در افغانستان است. ترامپ در یک نشست خبری مشترک با استارمر در لندن گفت: «ما تلاش می‌کنیم تا این پایگاه را مجدد به دست بگیریم. این می‌تواند یک خبر فوری کوچولو باشد.» در واکنش به این اظهارات، «ژاکر جلالی» یکی از مقام‌های ارشد وزارت امور خارجه افغانستان در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر) نوشت: «افغان‌ها هرگز حضور نظامی خارجی را در طول تاریخ نپذیرفته‌اند و در مذاکرات و توافق قطر نیز چنین احتمالی کاملاً رد شده است.» وی در ادامه نوشت: «درها به روی توافقات بعدی همچنان باز هستند.»



پوتین صلح نمی‌خواهد

رئیس در حال کناره‌گیری اژانس اطلاعات خارجی انگلیس مدعی شد شواهدی دال بر تمایل روسیه برای صلح مذاکره‌شده با اوکراین نمی‌بیند. «ریچارد مور» رئیس در حال کناره‌گیری اژانس اطلاعات خارجی انگلیس در یک سخنرانی در استانبول ترکیه با اشاره به اینکه این‌اژانس قصد دارد تا از دارکوب برای استخدام و جذب جاسوس‌ها و دریافت اطلاعات محرمانه از جاسوس‌هایی در روسیه و سراسر جهان بهره‌برد، مدعی شد «ولادیمیر پوتین» رئیس‌جمهور روسیه فکر می‌کند که جنگ بسیار آسان خواهد بود و اوکراینی‌ها را در این جنگ دست‌کم گرفته است. سرویس‌های اطلاعاتی غربی از زمان آغاز جنگ در اوکراین، نسبت به ادعای افزایش فعالیت‌های جاسوسی و خرابکارانه روسیه در سراسر اروپا ابراز نگرانی کرده‌اند.



لزوم اصلاح شورای امنیت

وزیر خارجه ترکیه اعلام کرد شورای امنیت سازمان ملل باید اصلاح شود و باید کشورهای بیشتری در مکانیسم تصمیم‌گیری آن نقش داشته باشند. «هاکان فیدان» وزیر خارجه ترکیه در گفت‌وگویی با یک رسانه مصری گفت: «شورای امنیت سازمان ملل متحد مانند خود این سازمان نیاز به اصلاح دارد. یک مکانیسم تصمیم‌گیری با نمایندگی و پوشش گسترده‌تر ضروری است.» وی در این گفت‌وگو با شبکه خبری MBC Masr گفت: «به‌روزرسانی ساختار شورای امنیت سازمان ملل متحد، اثربخشی عملکرد سازمان ملل را بهبود می‌بخشد و امکان در نظر گرفتن منافع طیف وسیع‌تری از کشورها را فراهم می‌کند.» همچنین «رجب طیب اردوغان» رئیس‌جمهور ترکیه اول سپتامبر در نشست سازمان همکاری شانگهای گفت که سازمان ملل نیازمند تغییرات فوری است و در عمل به وظایفش ناکام مانده است.

عنوان یک عضو به ناتو بپیوندد یا اینکه انتظار داشت که در ناتو یک جایگاه ویژه یا هژمونیک داشته باشد.

در هر صورت، کرم‌لین بر این عقیده است که سهم خود را از «درک اساسی» انجام داده است. در سال ۱۹۹۴، نیروهای روسی به طور دائم از آلمان، استونی و لتونی عقب‌نشینی کردند. دیپلمات‌های آلمانی در بن نیز معتقد بودند که ارتش روسیه در «وضعیت متروکه» قرار دارد. گسترش ناتو به شرق با وضعیت امنیتی سازگار نیست. این دیدگاهی بود که حتی اصلاح‌طلبان طرفدار غرب در مسکو نیز با آن موافق بودند. مگر اینکه، روسیه نیز بخشی از این گسترش باشد.

کلینتون در سفری که در ژانویه ۱۹۹۴ به اروپا داشت گفت که گسترش ناتو دیگر مسئله‌ی «اگر» نیست، بلکه مسئله‌ی «چه زمانی و چگونه» است. هنگامی که رئیس‌جمهور ایالات متحده سپس به مسکو پرواز کرد، یلتسین پیشنهاد داد که ناتو باید روسیه را به عنوان اولین عضو جدید به جمع خود اضافه کند. کلینتون با ترتیب الحاق مخالف بود، اما حمایت اساسی خود را از احتمال الحاق روسیه نشان داد، همانطور که تالپوت به زودی این دیدگاه را به متحدان آمریکا در ناتو منتقل کرد. دیپلمات‌ها در بن بلافاصله مخالفت خود را ابراز کردند: «ما به آمریکایی‌ها توصیه کردیم که ملاحظات روسیه را در این زمینه تشویق نکنند.»

▼ تردید کهل

از دیدگاه هلموت کهل، کل بحث گسترش ناتو در زمان نامناسبی مطرح شد. او گفت: «ما باید به این کشورهای اروپای شرقی بگوییم که می‌توانند روی حمایت ما حساب کنند، اما نه روی عضویت ما.» چهار سال پس از اتحاد مجدد دو آلمان، اعتبار بین‌المللی صدراعظم در بالاترین حد خود بود. او برنامه‌های توسعه‌طلبانه کلینتون را زود هنگام می‌دانست و می‌خواست از هر چیزی که ممکن است یلتسین را تضعیف کند، اجتناب کند. یلتسین در سال ۱۹۹۶ برای انتخاب مجدد آماده می‌شد و با فشار زیادی از سوی تندروهای ملی‌گرای افراطی روبه‌رو بود. کهل احساس می‌کرد هشدار لُخ والسا، رئیس‌جمهور لهستان، علیه خرس روسی، مبنی بر اینکه باید در قفس حبس شود و اجازه پرسه زدن آزادانه به آن داده نشود، اغراق‌آمیز است. او شکایت کرد که لهستانی‌ها مصرانه خواهان پیوستن به ناتو هستند و «اصلاً برایشان مهم نیست که در نتیجه چه بهایی ممکن است به مسکو بپردازیم.» کینکل همچنین از آمریکایی‌ها خواست که لهستانی‌ها را آرام کنند: «احتمال ندارد که روسیه فردا به آنها حمله کند.» در همین حال، صدراعظم و وزیر امور خارجه آلمان در حال پیگیری طرح خود بودند. آنها می‌خواستند لهستان، مجارستان، جمهوری چک و شاید کشورهای دیگر به اتحادیه اروپا بپیوندند؛ اتحادیه‌ای که ابتدا باید اصلاح می‌شد. با توجه به این اولویت، بعید بود که اتحاد ترانس آتلانتیک بتواند قبل از سال ۲۰۰۰ گسترش یابد.

▼ تصمیم کلینتون

اما کلینتون نمی‌خواست تا این حد منتظر بماند. او در آکسفورد تصمیم‌گیرده بود و ظاهراً واقعاً رویای اروپایی متحد در صلح، با الحاق روسیه را در سر می‌پروراند. اما او نیز با فشارهای فزاینده‌ای روبه‌رو بود. جمهوری خواهان گسترش ناتو به شرق را به عنوان یک اهرم سیاسی قوی کشف کرده بودند و با دولت لهستان مشورت کرده بودند. آنها کلینتون را به خاطر مداری بیش از حد با مسکو به باد انتقاد گرفتند. این یکی از مسائلی بود که منجر به پیروزی چشمگیر جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای ۱۹۹۴ شد. الکساندر ورشپو، مدیر ارشد کاخ سفید در امور اروپا، که از حامیان سرسخت گسترش ناتو به شرق بود، با کمترین بدخواهی به یک مقام ارشد آلمانی گفت که خود کهل ناخواسته به کلینتون در افزایش قابل توجه سرعت این روند کمک کرده است. کهل جدول زمانی آلمان برای اصلاحات اتحادیه اروپا را با رئیس‌جمهور ایالات متحده به اشتراک گذاشته بود، که ظاهراً تا آن زمان چیزی در مورد آن نمی‌دانست. ایالات متحده امیدوار بود که گسترش ناتو در سال ۱۹۹۶ یا ۱۹۹۷ آغاز شود و لهستان به عنوان اولین نامزد معرفی شود. هرمان فون ریختوفن، سفیر آلمان در ناتو، در ۲۲ نوامبر ۱۹۹۴ گزارش داد که آمریکایی‌ها اکنون طبق شعاری عمل می‌کنند که او به انگلیسی آن را اینگونه نقل کرد: «یا به روش من انجام می‌شود یا اصلاً انجام نمی‌شود.»

با وقوع این اتفاق، عضویت روسیه در ناتو برای همیشه در هاله‌ای از ابهام فرو رفت. از آن زمان به بعد، به نظر می‌رسید که این اقدام تلاشی آشکار برای آشتی دادن روس‌ها با موضوع پیوستن قریب‌الوقوع لهستان و سایر کشورها به این اتحاد است؛ تلاشی که در نهایت شکست خورد. در اوایل نوامبر ۱۹۹۴، یوری اوشاکوف، دیپلمات روسی، با لحنی تند گسترش ناتو به شرق را «نوعی خیانت» خواند.

و حالا همان یوری اوشاکوف است که در حال حاضر نماینده ولادیمیر پوتین در مذاکرات مربوط به جنگ اوکراین است.

ترجمه: آریا صدیقی



روسیه در ناتو

منتون برای عضویت روسیه در ناتو مخالفت کردند

مطرح شد، و یلتسین برای اولین بار علاقه خود را به عضویت در ناتو در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۱ ابراز کرد. روزهای پایانی اتحاد جماهیر شوروی بود. قرار بود اتحاد جماهیر شوروی در پایان سال منحل شود و او به عنوان رئیس‌جمهور روسیه جدید، خطاب به بروکسل نوشت که آماده است عضویت روسیه در ناتو را «به عنوان یک هدف سیاسی بلندمدت» در نظر داشته باشد. این پیشنهادی بود که با حال و هوای خوش‌بینانه آن زمان مطابقت داشت: یلتسین قول داد که روسیه «بوی دموکراسی را استشمام کرده، آزادی را حس کرده است» و افزود که روسیه به «کشوری متفاوت» تبدیل خواهد شد.

وقتی لهستان، جمهوری چک و مجارستان یک سال و نیم بعد به عضویت ناتو درآمدند، کوزیرف، وزیر امور خارجه یلتسین، از آمریکایی‌ها خواست که لطفاً با روس‌ها همانطور رفتار کنند که با دیگر دموکراسی‌های جدید رفتار می‌کنند. کوزیرف اکنون در ایالات متحده زندگی می‌کند و منتقد ولادیمیر پوتین است. حتی در آن زمان، کارشناسان روسیه در وزارت امور خارجه آلمان معتقد بودند که او به سمت «آرمان‌های غربی (دموکراسی، حقوق بشر، ایجاد ساختارهای امنیتی جدید)» گرایش دارد. او «در حال ترویج ادغام روسیه در نهادهای اروپایی و فرآتلانتیکی بود.» کوزیرف در خاطرات خود در سال ۲۰۱۹ نوشت که مسئله ناتو برای دولت آن زمان روسیه «آزمونی برای سنجش این گزاره بود که آیا ائتلاف ناتو اساساً علیه منافع روسیه است یا خیر.»

از دیدگاه روسیه، یک «درک اساسی» ناشی از مذاکراتی که منجر به اتحاد مجدد آلمان در سال ۱۹۹۰ شد، وجود داشت، همانطور که وزارت امور خارجه آلمان در سال ۱۹۹۴ نوشت: «اتحاد جماهیر شوروی با روسیه از کنترل قلمرو خود تا رودخانه «البه» دست می‌کشید و حضور نظامی خود را از کل منطقه خارج می‌کند. در عوض، غرب از سوءاستفاده سیاسی می‌نظامی از این امر خودداری می‌کند و معماری امنیتی اروپا به طور مشترک در قالب سهم مشارکت برابر ایجاد می‌شود.» با این حال، هنوز مشخص نیست که آیا روسیه واقعاً آماده بود تا به

آلمان در خارج از کشور توزیع شد. در آن بیانیه آمده بود: «روسیه - درست مانند اوکراین و بلاروس - نمی‌تواند نه در اتحادیه اروپای غربی و نه در ناتو عضویت داشته باشد. با این حال، با توجه به توافقاتی که مورد نظر با رهبری مسکو، باید از اظهارات عمومی در این مورد خودداری شود.» اتحادیه اروپای غربی (WEU) یک اتحاد دفاعی اروپایی بود که بعداً منحل شد.

وقتی آندری کوزیرف، وزیر امور خارجه روسیه، در مقطعی از همتای آلمانی خود پرسید که آلمان چه مخالفتی با پیوستن روسیه به ناتو دارد، کینکل به سرعت بهانه‌ای آورد. طبق اسناد جدید، او گفته بود که ناتو «در حال حاضر» برای پیوستن روسیه آماده نیست. در مقابل، به گفته یواخیم بیترلیچ، که در آن زمان مهمترین مشاور سیاست خارجی صدراعظم آلمان بود، کهل در تماس‌های تلفنی و جلسات با یلتسین از مسئله ناراحت‌کننده ناتو در امان ماند. یلتسین احتمالاً این موضوع را مطرح نکرد زیرا احساس می‌کرد که این موضوع تا حد زیادی به آمریکایی‌ها بستگی دارد نه آلمان؛ و کهل هم خیلی ساده هیچ چیزی در این باره نگفت. در این دوره به کلینتون گفت: «اشپیکل یک بار من را آخرین دایناسور توصیف کرده است و اگر این درست باشد، من باید با احتیاط حرکت کنم.» او گفت، دایناسورها همیشه نباید در خط مقدم باشند.

کهل، کلینتون و یلتسین به عنوان سه سیاستمدار مهم آن دوران یکدیگر را دوست داشتند و غیررسمی صحبت می‌کردند. یلتسین، پسر کشاورزی اهل کوه‌های اورال بود که قبل از اینکه مهندس شود، در فقر بزرگ شده بود. کهل که تقریباً همسین یلتسین بود، به شجاعت و تمایل او برای اصلاحات در روسیه که در سال ۱۹۹۴ یک کودتای کمونیستی را سرکوب کرد، احترام می‌گذاشت. کهل احساس می‌کرد حمایت غرب از یلتسین حیاتی است، اما معتقد نبود که این حمایت باید به شکل عضویت روسیه در ناتو باشد.

▼ آزمون یلتسین

این ایده نسبتاً چشمگیر در ابتدا از سوی کرم‌لین